

## پیش بینی رضایت زناشویی بر مبنای جهت گیری مذهبی (درونی - بیرونی) در دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی

لیلا پاشائی<sup>1</sup>

دکتر هادی بهرامی<sup>2</sup>

دکتر حمیدرضا حاتمی<sup>3</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش بینی رضایت زناشویی بر مبنای جهت گیری مذهبی (درونی - بیرونی) در دانشجویان بود. بدین منظور از یک طرح پژوهشی از نوع همبستگی با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بودند. در این پژوهش تعداد 300 نفر از دانشجویان زن در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران شرکت داشتند. از داوطلبان خواسته شد مقیاس های جهت گیری مذهبی آلپورت و رضایت زناشویی انریچ را تکمیل کنند. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که بین جهت گیری مذهبی درونی و همچنین جهت گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر رابطه بین جهت گیری مذهبی درونی با رضایت زناشویی مثبت و رابطه بین جهت گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی منفی می باشد. بنابراین جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی در تبیین رضایت زناشویی معنادار است. ( $p < 0/001$ )

واژه های کلیدی: رضایت زناشویی، جهت گیری مذهبی درونی، جهت گیری مذهبی بیرونی.

<sup>1</sup> - کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، [LePashaei@gmail.com](mailto:LePashaei@gmail.com)

<sup>2</sup> - استاد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روان شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران-ایران

<sup>3</sup> - استادیار، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران-ایران

## مقدمه

انسان بر حسب فطرت و طبیعت اجتماعی خود به فرد همدلی نیاز دارد که با او زندگی کند و در کنار او به آرامش و سکون برسد. اساساً وجود یک ازدواج توأم با رضایت، محل تبادل و تلاقی احساسات و عواطف مثبت بین زوج هاست و تشکیل خانواده بهنجار، نقش مهمی در سلامت و بهزیستی کل جامعه دارد. به عبارتی، ازدواج و زندگی زناشویی مستلزم وجود سطح پایداری از سازگاری از جانب زوج هاست و احساس رضایت از ازدواج، نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می کند (بنائیان، پروین و کاظمیان، 1385). کاهش رضایت زناشویی از عوامل خطر ساز بروز آسیب های روان شناختی در کودکان و بزرگسالان است و نظام خانواده را که در واقع زیر بنای جامعه سالم است مورد تهدید قرار می دهد (نوبی نژاد، 1383). فقدان رضایت زناشویی می تواند زمینه ساز بروز اضطراب، افسردگی، مشکلات جسمانی و روانی شود (به پژوه و رمضان، 1384). شواهد موجود، گویای این حقیقت است که زوجین در عصر حاضر در برقراری و حفظ روابط صمیمانه و داشتن زندگی زناشویی رضایت مند با مشکلات متعدد و ناهماهنگی هایی روبرو هستند (برنشتاین، ترجمه سهرابی، 1382). در سال های اخیر، احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گراییده است و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشایند شده است (ستوده، 1389). از طرفی، آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی است، نشانگر آن است که رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست. با توجه به سیر صعودی میزان طلاق و این که ناسازگاری در روابط زوجین موجب اختلال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، افول ارزش های فرهنگی در بین زن و شوهر و بروز مشکلات رفتاری فرزندان می شود، بر این اساس، مطالعه و پژوهش در زمینه رضایت مندی زناشویی بسیار مهم است (احمدی نوده، آزاد مرزآبادی و ملا زمانی، 1384). از این رو ضروری است عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی مورد توجه قرار گیرد. با شناسایی این عوامل می توان میزان ازدواج های با خطر بالا را کاهش داد و بر رضایت و شادکامی ازدواجهای موجود افزود و بدین طریق، از پیامدهای ناگوار نابسامانی های خانوادگی جلوگیری کرد (خدایاری فرد، شهابی و اکبری زرخانه، 1386).

رضایت مندی زناشویی، حاصل خشنودی و سازگاری زن و شوهر در ابعاد مختلف زندگی مشترک است و استحکام بنیان خانواده و سلامت والدین را تضمین می کند (به

پژوه و رمضانی، 1384). رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است و می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطه بسیاری از عوامل مختص روابط زناشویی باشد. می‌توان رضایت زناشویی را به عنوان یک موقعیت روان‌شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی‌آید بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است (احمدی، نبی پور، کمیایی و افضل، 2010، به نقل از دغاغله، عسگری و حیدری، 1391). «هاوکنز»<sup>1</sup> رضایت زناشویی را چنین تعریف می‌کند: احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر، زمانی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند (هاوکنز و همکاران، 1994).

یک ازدواج موفق، با بسیاری از شاخصه‌های مثبت سلامت همبسته است. یکی از این شاخص‌ها، مذهب است که می‌تواند روابط، تصمیم‌گیری، تعهد و ابعاد فرزندپروری زوجین را متاثر سازد (خدایاری فرد و همکاران، 1386). با وجود این که برای عده بی‌شماری تاثیر مذهب بر سلامت جسم و روان امری مسلم به شمار می‌آید، درباره تاثیر اعتقادات مذهبی بر بهداشت روانی، دیدگاه‌های ضد و نقیضی وجود دارد (شمس اسفندآباد و نژاد نادری، 1388). هر چند افرادی چون فروید<sup>2</sup>، بنیانگذار روان‌تحلیلی<sup>3</sup> و الیس<sup>4</sup>، بنیانگذار درمانگری عقلانی - هیجانی<sup>5</sup> نوعی ارزیابی منفی از نقش و تاثیر مذهب بر سلامت روان و رفتار انسان‌ها داشته‌اند، اما افراد دیگری چون یونگ<sup>6</sup>، آلپورت<sup>7</sup>، مزلو<sup>8</sup>، آدلر<sup>9</sup> و فروم<sup>10</sup> با نگرشی مثبت به مذهب، از تاثیرات سودمند اعتقادات مذهبی سخن گفته‌اند (معتمدی، اژه‌ای، آزاد فلاح و کیامنش، 1384). مذهب یکی از جلوه‌های لطیف ذهنی انسانی است که از سر چشمه‌های معنوی و الهی تغذیه می‌کند. آلپورت (1967) مذهب را یکی از عوامل بالقوه مهم برای سلامت روان و جزو

1. Hawkins

2. Freud

3. Psychoanalysis

4. Ellis

5. Rational Therapy - Emotional

6. Jung

7. Allport

8. Maslow

9. Adler

10. Forum

نیرومندترین عوامل انگیزشی محسوب می‌کند. وی مذهب را بر اساس انگیزه‌ها تقسیم‌بندی کرده و معتقد است افراد از نظر جهت‌گیری مذهبی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1- افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی<sup>1</sup> که در این وضعیت فرد، مذهب را از درون طلب کرده، با آن زندگی می‌کند و نیز تمامی زندگی خود را با آن معنادار و با انگیزه می‌سازد.

2- افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی<sup>2</sup> که در این حالت فرد، مذهب را صرفاً برای راحتی، آسایش، جایگاه، مقام و حمایت اجتماعی برگزیده است (بختیار، 1389).

مذهب به عنوان یک محافظ در برابر فشارهای روانی عمل می‌کند. با اینکه رابطه بین مذهب و معنویت از یک طرف، و مذهب و سلامت روانی از سوی دیگر چند وجهی و پیچیده است (بوگرا<sup>3</sup>، 2010). آلپورت معتقد است که تفاوت قائل شدن بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به ما کمک می‌کند تا کسانی را که دین برای آنها هدف است، از کسانی که دین برای آنها وسیله است جدا نماییم. افراد دسته اول به خوب بودن هدف توجه دارند و افراد دسته دوم به خوب بودن وسیله. وی قابل قبول ترین روش متمایز کردن این دو قطب را این می‌داند که بگوییم شخصی با مذهب بیرونی، مذهبش را به کار می‌گیرد، در صورتی که شخصی با مذهب درونی با مذهبش زندگی می‌کند و در ادامه می‌گوید مذهب درونی، مذهبی فراگیر، دارای اصول سازمان یافته و درونی شده است که خود، غایت و هدف است، نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف (خدایپناهی و خاکسار بلداجی، 1384).

از آن جایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تاکید قرار می‌دهند و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته‌اند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد. به عبارت دیگر نگرش مذهبی می‌تواند در روابط زناشویی موثر باشد زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزشهاست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی

1. Intrinsic

2. extrinsic

3 Bhugra

زناشویی را متاثر سازند (هانلر و گنچوز<sup>1</sup>، 2005). تحقیقات بسیاری رابطه بین مذهب و رضایت زوجین را مورد بررسی قرار داده‌اند. مسی<sup>2</sup> (2010) به بررسی رابطه میان جهت گیری مذهبی، خشنودی و سلامت روان پرداخت. نمونه شامل 242 دانشجوی کاتولیک بود. نتایج حاکی از آن بود که جهت گیری مذهبی رابطه منفی معنی داری با میزان افسردگی داشت. از سوی دیگر جهت گیری مذهبی رابطه مثبت معنی داری با بخشودگی داشت (احتشام زاده، برنا و یوسفی، 1390). نتنیل<sup>3</sup>، لامبرت<sup>4</sup> و همکاران (2006) نشان دادند که مذهب در حل تعارض اثر دارد و باعث سازگاری روابط می شود (فرهانیان و گلزاری، 1389). شرکات<sup>5</sup> (2004) به این نتیجه رسید که اختلاف دینی بین اعضای خانواده موجب بروز مشکلات برای ادامه زندگی زناشویی می شود که این خود منجر به کاهش رضایتمندی و افزایش تعارضات و اختلافات زناشویی و حتی طلاق می گردد (روحانی و معنوی پور، 1387). سولیوان<sup>6</sup> (2001) نشان داده است افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند، نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی هستند و مولینز<sup>7</sup> و همکاران (2001) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دینداری به گونه ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد (روحانی و معنوی پور، 1387). پژوهش برغندان و قائمی خمایی (1387) نشان داد که باورهای مذهبی، همبستگی بالایی با رضایتمندی زناشویی در زوجین نابارور دارد. جعفرزاده جهرمی، طالع پسند و جعفرزاده جهرمی (1389) رابطه معنادار مستقیم بین رضایت زناشویی و جهت گیری مذهبی به دست آوردند. نتایج پژوهش عطاری، عباسی سرچشمه و مهرابی زاده هنرمند (1385) نشان داد که بین نگرش مذهبی و خرده مقیاسهای آن با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. پژوهش نیکوئی و سیف (1384) نشان دهنده رابطه معنادار بین جهت گیری دینی (درونی و بیرونی) و رضایت مندی زناشویی است. غباری بناب (1380) در تحقیق

1. Hünler, O. S. & Genc, ÖZ

2. Messay

3. Ntnyl

4. Lambert

5. Sherkat

6. Sullivan, T.

7. Mullins

خود به این نتیجه رسید که انجام اعمال دینی بیش از دیگر متغیرهای مورد بررسی، رضایتمندی از ازدواج را پیش بینی می‌کند.

## ابزار و روش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی<sup>1</sup> است. جامعه آماری 1300 نفر از دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر است که در سال تحصیلی 91-1390 مشغول به تحصیل بودند. با توجه به این که آماری مبنی بر متاهل و مجرد بودن دانشجویان در قسمت آمار و کامپیوتر دانشگاه موجود نیست و فقط آمار دانشجویان پسر و دختر به تفکیک رشته و دانشکده در دسترس است، لذا حجم جامعه مورد پژوهش نامعلوم می باشد. لذا در صورتی که مقیاس اندازه‌گیری، فاصله ای یا نسبی و حجم جامعه نامعلوم باشد، برای فرضیه‌های پژوهش دو دامنه در سطح اطمینان 95 درصد طبق فرمول زیر استفاده می‌شود (سادئی، 1387).

$$n = \frac{\sigma^2 \cdot Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2}{d^2}$$

با قرار دادن اعداد مربوط در فرمول، عدد 230 به دست می‌آید که جهت تعمیم پذیری بیشتر و جلوگیری از افت در نمونه به 300 نفر افزایش یافت. بنابراین 300 نفر از شرکت کننده های واجد شرایط با گمارش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده و به طور تصادفی پرسشنامه ها بین آنها منتشر و پس از تکمیل جمع آوری شد. طول مدت پاسخگویی به سوالات آزمونها میانگین بین 15 تا 20 دقیقه و اجرای آزمونها حدود سه ماه به طول انجامید.

آزمون جهت گیری مذهبی (ROS)<sup>2</sup>: این مقیاس در سال 1950 توسط آلپورت و راس جهت سنجش جهت گیری های درونی و بیرونی مذهب تهیه شد و شامل 21 عبارت چهارگزینه‌ای (از کاملا مخالفم تا کاملا موافقم) است. آلپورت و راس (1967)

<sup>1</sup> . Correlational research

<sup>2</sup> . Religious Orientation Scale ; ROS

همبستگی جهت‌گیری درونی و بیرونی را 0/21- گزارش کردند (آپورت و راس، 1967). آزمون جهت‌گیری مذهبی یک مقیاس 20 سوالی است که 11 سوال آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و نه سوال دیگر آن به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. حاصل انجام این آزمون، دو نمره مربوط به جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی برای هر فرد است (مختاری، اله یاری و رسول زاده طباطبایی، 1380). فگین<sup>1</sup> (1963) یک نسخه 21 سوالی ارائه نمود. که تمام سوالات آپورت را به اضافه یک سوال دیگر در برمی‌گیرد. این سوال همبستگی مثبت بالایی (0/61) با مقیاس بیرونی آپورت دارد (مختاری و همکاران، 1380). در پژوهش حاضر، فرم 21 سوالی به کار گرفته شده است. شیوه نمره‌گذاری این ابزار بر اساس مقیاس لیکرت است که دامنه آن از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بوده و به پاسخ‌ها نمره یک تا پنج تعلق می‌گیرد. بدین ترتیب که گزینه الف، نمره یک، گزینه ب نمره دو، گزینه ج، نمره چهار و گزینه د، نمره پنج و عبارات بدون پاسخ نمره سه گرفته‌اند. جمع امتیاز عبارات 1 تا 12 میزان جهت‌گیری مذهبی بیرونی آزمودنی و مجموع نمرات عبارت‌های 13 تا 21 جهت‌گیری مذهبی درونی او را مشخص کرده که به صورت معکوس نمره‌گذاری شده است. در مطالعات فیگن (1963) همبستگی بین جهت‌گیری درونی و بیرونی 0/2 بود که به همبستگی محاسبه شده آپورت (0/21) بسیار نزدیک است. اعتبار پرسش‌نامه توسط جان بزرگی بر اساس آلفای کرونباخ به میزان 0/71 و پایایی بازآزمایی آن 0/74 به دست آمده است (مختاری و همکاران، 1380). اعتبار پرسش‌نامه توسط جان بزرگی بر اساس آلفای کرونباخ به میزان 0/71 و پایایی بازآزمایی آن 0/74 به دست آمده است (مختاری و همکاران، 1380). در این پژوهش اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ 0/74 محاسبه شده است.

آزمون رضایت‌زناشویی انریج<sup>2</sup> 47 سوالی:

این آزمون توسط اولسون<sup>3</sup> و همکاران (1989) طراحی شده است که به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های نیرومندی و پربرسازی روابط زناشویی به کار رفته است و به‌عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعددی برای بررسی

<sup>1</sup>. Feagin

<sup>2</sup>. Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness

<sup>3</sup>. Olson

رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است (برغندان و همکاران، 1387). فرم اصلی آزمون رضایت زناشویی انریچ از 12 مقیاس (شامل 115 سوال) تشکیل شده است که به جز مقیاس اول آن که پنج سوال داشته بقیه مقیاسها شامل 10 سوال است. این آزمون به صورت پنج گزینه‌ای (از نوع لیکرت) است. برای هر یک از ماده‌ها پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالفم وجود دارد که به آنها نمره‌ای از یک تا پنج تعلق گرفته و در نهایت مجموع ماده‌های هر مقیاس محاسبه شده و در پنج سطح خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین تفسیر می‌گردد.

اعتبار فرم اصلی این آزمون با روش ضریب آلفای کرونباخ  $0/92$  گزارش شده است. سلیمانیان (1373) فرم اصلی این آزمون را در ایران هنجاریابی کرده است و تعداد سوالات آن را از 115 به 47 سوال کاهش داده است (نیکویی و سیف، 1384). میزان اعتبار فرم کوتاه شده این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ،  $0/95$  گزارش شده است. در این پژوهش اعتبار پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ  $0/939$  محاسبه شده است.

### یافته‌ها

با توجه به نتایج پژوهش‌های فوق، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی بارضایت زناشویی شکل گرفت. بنابراین فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

1. بین جهت‌گیری مذهبی درونی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
2. بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

با توجه به فرضیه‌های فوق پرسش این است که:

آیا مذهب به عنوان یک منبع درونی و بیرونی در رضایت زناشویی افراد نقش دارد؟



جدول (1)

شاخص‌های آماری خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی			
متغیر	خرده مقیاس	میانگین	انحراف معیار
رضایت زناشویی	رضایت کلی	3/71	0/59
	موضوعات شخصیتی	3/66	0/91
	ارتباط زناشویی	3/75	0/90
	حل تعارض	3/72	0/85
	مدیریت مالی	3/81	0/73
	فعالیت‌های اوقات فراغت	3/81	0/80
	روابط جنسی	3/74	0/63
	ازدواج و فرزندان	3/48	0/70
	اقوام و دوستان	3/62	0/73
	جهت گیری مذهبی	3/80	0/80

نتایج جدول (1) حاکی از آن است که در بین خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، خرده مقیاس مدیریت مالی و فعالیت‌های اوقات فراغت با میانگین 3/81 بالاترین میزان را به خود اختصاص داده و خرده مقیاس ازدواج و فرزندان با میانگین 3/48 نیز کمترین میزان را داشته است. این به معنای آن است که در بین مولفه‌های رضایت زناشویی، میزان مدیریت مالی و فعالیت‌های اوقات فراغت نسبت به سایر خرده مقیاسها از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است.

جدول 2

## شاخص‌های آماری خرده مقیاس‌های جهت گیری مذهبی

متغیر	خرده مقیاس	میانگین	انحراف معیار
جهت گیری مذهبی	جهت گیری مذهبی کلی	67/04	9/63
	جهت گیری مذهبی بیرونی	33/33	7/44
	جهت گیری مذهبی درونی	33/71	5/84

نتایج جدول (2) نشان داده که میانگین جهت گیری مذهبی 67/04 بوده که 33/33 آن مربوط به جهت گیری مذهبی بیرونی و 33/17 مربوط به جهت گیری مذهبی درونی است. در واقع افراد نمونه آماری به جهت گیری مذهبی بیرونی بیشتر اهمیت داده‌اند.

جدول (3) شاخصها و آماره‌های تحلیل رگرسیون بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با رضایت زناشویی

خطای استاندارد برآورد	ضریب تعدیل شده	ضریب تبیین R Square	ضریب همبستگی R
0/58	0/098	0/102	0/32

جدول (3) نشان داده که میزان ضریب همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با رضایت زناشویی برابر با 0/32 صدم است و 10/2 درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین کرده است.

جدول (4)

خلاصه تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی از طریق جهت‌گیری مذهبی و بیرونی

سطح معنی‌داری Sig.	میزان F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص منبع
0/001	5/288	0/099	1	0/099	اثر رگرسیون
		0/343	298	102/331	اثر باقیمانده
			299	102/430	جمع

در اطلاعات جدول شماره (4) مربوط به تحلیل واریانس مشاهده شده  $f=5/288$  و  $df=1و298$  جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی در تبیین رضایت زناشویی معنادار است. ( $p<0/001$ )

جدول 5- متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده است

سطح معناداری	نسبت t	ضریب بتای استاندارد Beta	ضریب بتا		شاخص مولفه
			خطای معیار	B	
0/0001	15/283		0/245	3/742	مقدار ثابت
0/001	3/570	0/118	0/008	0/22	جهت‌گیری مذهبی درونی
0/002	-3/413	-0/106	0/005	-0/21	جهت‌گیری مذهبی بیرونی

ارقام مندرج و ضریب بتای حاصله در جدول (5) نشان داده‌اند که:

بین جهت‌گیری مذهبی درونی و همچنین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر رابطه بین جهت‌گیری مذهبی درونی

با رضایت زناشویی مثبت و رابطه بین جهت گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی منفی می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که جهت گیری مذهبی می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند. که این نتایج با برخی از یافته های پژوهشگران مانند نتنیل، لامبرت و همکاران (2006)، شرکات (2004)، مولینز و همکاران (2001)، سالیوان (2001)، برغندان و قائمی خمami (1389)، جعفرزاده جهرمی و همکاران (1389)، عطاری و همکاران (1385)، نیکویی و سیف (1384)، غباری بناب (1380)، همسو است.

کلیه این پژوهشها مذهب را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی دانسته اند. تعالیم و باورهای دینی می توانند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه رضایت مندی بیشتر هدایت کنند (نیکویی و سیف، 1384). دینداری، وجود مفاهیم مشترک دینی بین زوجین به عنوان تسهیل کننده، ایجادکننده تفاهم و حل تعارضها در روابط درون خانوادگی عمل می کند. از این رو مذهب و خانواده را می توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت. درک ارزشهای دینی درباره ازدواج، در سلامت روابط زوجین، اهمیت بالایی دارد. اگر زوجین به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دائم می تواند ترس روانی از دست دادن دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این رو سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند (لطف آبادی، 1384).

مذهب به عنوان مجموعه ای از اعتقادات، بایدها، نبایدها و نیز ارزش های اختصاصی یا تعمیم یافته، یکی از مؤثرترین تکیه گاه های روانی به شمار می رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه های عمر فراهم سازد و در شرایط خاص نیز با فراهم سازی تکیه گاه های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی معنایی نجات دهد. مذهب به عنوان یک پدیده روانی - اجتماعی همواره مورد توجه روان شناسان و جامعه شناسان بوده است. به ویژه در سه دهه اخیر و با گسترش مباحث مربوط به استرس، نقش مذهب در تعدیل تنیدگی توجه بسیاری از روان شناسان را برانگیخته است (بهرامی احسان، 1380). از نظر روان شناسان مسلم و قطعی است که اکثر بیماری های روانی که ناشی از ناراحتی های روحی و تلخی های زندگی است، در میان افراد

غیرمذهبی دیده می‌شود. افراد مذهبی به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشند، از این بیماری‌ها مصون‌ترند. از این رو یکی از عوارض زندگی عصر ما که در اثر ضعف ایمان‌های مذهبی پدید آمده است افزایش بیماری‌های روانی و عصبی است (مطهری، 1389). ماهونی<sup>1</sup> (2003) معتقد است (ماهونی، 2003). مذهب، راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار داده، که اگر انسان‌ها به آن‌ها عمل نمایند، منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌شود. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی است. پای‌بند بودن به مذهب در زوجین می‌تواند باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل شده و رضایت زناشویی را افزایش دهد و عدم پایبندی به مسائل مذهبی می‌تواند بی‌تعهدی را در رفتار زوجین ایجاد کرده و از این طریق، باعث کاهش رضایت زناشویی می‌گردد (نظری، 1390).

احساسات مذهبی در نزد هر کس که یافت شود، نیرویی روزافزون در زندگی شخص وارد می‌کند، هنگامی که در نبرد زندگی همه‌ی امیدها بر باد رفته و دنیا به آدمی پشت می‌کند، احساسات مذهبی وارد عمل شده، در درون مان شور و هیجانی بر پا ساخته، ما را جوان کرده و زندگی درونی مان را که تیره و تار شده بود، دگرگون می‌سازد (صادقی‌جانپهان، 1378). اگر زوجین به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دایم می‌تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این رو سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند (لطف‌آبادی، 1384). برخورداری زن و شوهر از باورهای دینی مستحکم، در تحکیم روابط اعضای خانواده تأثیر بسزایی دارد و بی‌بهره ماندن برخی خانواده‌ها از این باورها، در همه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد. از این رو، اعتقادات مذهبی در زندگی عادی انسانها نقش مهمی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت می‌شود (سالاری فر، 1386).

برخلاف آنچه به صورت متعارف درباره مذهب و کنش‌های آن، بیان شده، نظام‌های اعتقادات مذهبی از نظر محتوا و عملکرد، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که پیش از این توصیف شده است. اعتقادات مذهبی خاص، در بخش قابل توجهی از مسایل، در چارچوب انتقال فرهنگی استقرار یافته‌اند و تداوم خود را در گرو انتقال از

<sup>1</sup>. Mahoney

نسلی به نسل دیگر دارند و بدین ترتیب اعضای یک اجتماع، مذهب را به عنوان پدیده ای کاملاً شخصی و از آن خود، به نسل جدید منتقل می کنند. با این توصیف ضرورتاً مذهب برای تداوم و ایفای نقش خود نیازمند آن است که به عنوان یک پدیده ی فرهنگی «درونی سازی» شود. زمانی که از درونی سازی بحث می شود، همواره فرآیندهایی مورد توجه است که بر اساس آن فرد تغییراتی عمیق در ساختارهای روانی خویش به وجود می آورد. در درونی سازی، سخن از وارد شدن یک پدیده یا موضوع برونی در ساختارهای روانی و افزودن یک عنصر به مجموعه عناصر موجود در روان انسان نیست. درونی سازی به معنای وارد ساختن عناصر و موضوعات بیرونی در ساخت های روان شناختی به گونه ای است که این ورود منجر به تغییرات ساختاری گردد و یا خود با ساخت های موجود یکی شود (بهرامی احسان، 1378، به نقل از جعفری، 1388).

از آنجایی که جامعه پژوهش حاضر فقط زنان بود به همین دلیل تعمیم نتایج به جامعه مردان باید با احتیاط صورت بگیرد. همچنین این پژوهش صرفاً در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام گرفته است، لذا جهت تعمیم نتایج آن به سایر دانشگاه ها باید احتیاط کرد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر یک مطالعه پس رویدادی و از نوع همبستگی است، لذا بررسی ساختار علی بین جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی ممکن نیست، بنابراین نمی توان یک تبیین علی برای ارتباط بین متغیرها ارائه داد.

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، شناسایی و برطرف ساختن عوامل مربوط به نارضایتی زناشویی و پیشگیری از هرگونه قضاوت و داوری عجولانه با بهره مندی از تجارب و توانمندی های روان شناسان مجرب در زمینه مسائل خانواده، به زوجین توصیه می گردد. برای شناساندن ارزش ها و باورهای دینی و مذهبی، می توان از شیوه های علمی و منطقی با توجه به ویژگی های روان شناختی افراد استفاده شود تا ضمن تقویت رویکرد بیرونی مذهب، به رویکرد درونی آن نیز توجه شود. همچنین با توجه به اثر مثبت مذهب بر رضایت مندی زناشویی، توجه و بهره گیری مداوم و مستمر از توصیه ها و آموزه های دینی و مذهبی به زوجین تأکید می شود.

## منابع:

- احتشام زاده، پ.؛ برنا، م.ر. و یوسفی، م (1390)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و باورهای غیرمنطقی با افسردگی بیماران MS. مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، 5(20).
- احمدی نوده، خ؛ فتحی آشتیانی، ع. و عرب نیا، ع (1385)، بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی. خانواده پژوهی، 2 (5)، 55-67.
- بختیار، م (1389)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و جهت‌گیری مذهبی رانندگان متخلف و غیر متخلف. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- برگندان، م.، عنایتی، م. ص. و مهربانی زاده هنرمند، م (1387)، بررسی اثربخشی آموزش حل مساله به شیوه گروهی بر سلامت عمومی و رضایت زناشویی همسران کارمندان مرد طرح اقماری. فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی، 2 (7)، 95-107.
- برنشتاین، اف. اچ. و برنشتاین، ام. تی (1382)، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی)؛ ترجمه حمید رضا سهرابی. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- بنائیان، ش.، پروین، ن. و کاظمیان، ا (1385)، بررسی ارتباط سلامت روان و رضایت زناشویی زنان متأهل. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامائی، 14 (2)، 52-58.
- به پژوه، ا. و رضائی، ف (1384)، بررسی رضایت زناشویی والدین کودکان کم توان ذهنی و کودکان عادی. مجله علوم اجتماعی و انسانی، 22 (4)، 72-81.
- بهرامی احسان، ه (1380)، بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت‌گیری مذهبی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، 31(19).
- جعفرزاده چهارمی، ز.، طالع پسند، س. و جعفرزاده چهارمی، م (1389)، افکار پارانوئید، جهت‌گیری مذهبی و رضایت زناشویی در زوجین در معرض طلاق. مقاله ارائه شده در سومین کنگره انجمن روانشناسی ایران، تهران.
- جعفری، ع (1388)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی - بیرونی) با شیوه‌های مقابله با استرس. علوم رفتاری، 1 (1)، 91-114.
- خدایپناهی، م. ک. و خاکسار بلداجی، م.ع (1384)، رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان. مجله روانشناسی، 9(3).
- خدایاری فرد، م.، شهبابی، ر.ا. و اکبری زردخانه، س (1386)، رابطه نگرش مذهبی بارضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل. فصلنامه خانواده‌پژوهی، 3 (10)، 611-620.

- دغاغله، ف.؛ عسگری، پ. و حیدری، ع (1391)، رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. یافته های نو در روان شناسی، 7(24)، 57-69.
- روحانی، ع. و معنوی پور، د (1387)، رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه. دانش و پژوهش در روانشناسی، 35(36)، 189-206.
- سادتی، ع (1387)، روش تحقیق و آمار به زبان ساده. تهران: شلاک.
- سالاری فر، م (1386)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. تهران: انتشارات سمت.
- ستوده، ه (1389)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). تهران: آوای نور.
- سلیمانیان، ع. ا (1373)، بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تربیت معلم.
- شمس اسفند آباد، ح. و نژاد نادری، س (1388)، بررسی مقایسه ای کیفیت زندگی و نگرش مذهبی در افراد معتاد/ غیر معتاد شهر کرمان. فصلنامه مطالعات روانشناختی، 5(1).
- صادقی جانبهان، م. و نجم عراقی، ل (1378)، جایگاه دین در سلامت روانی. تهران: طریق کمال.
- عطاری، ی. ع.، عباسی سرچشمه، ا. و مهرابی زاده هنرمند، م (1385)، بررسی روابط ساده و چند گانه نگرش مذهبی، خوشبینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، 13(1)، 93-110.
- غباری بناب، ب (1380)، مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روانشناسی. مجله حوزه و دانشگاه، 7(29)، 97-108.
- فرهانیان، ف. و گلزاری، م (1389)، اثربخشی آموزشهای شناختی- رفتاری و حقوق همسر داری اسلامی در افزایش سازگاری و رضایت زناشویی در زنان. مقاله ارائه شده در سومین کنگره انجمن روانشناسی ایران، تهران.
- لطف آبادی، ح (1384)، جستجوی مبانی نظری سنجش ویژگی های معنوی درمان جویان در تعامل با درمانگران. گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان سنجی مقیاس های دینی، تهران.
- مختاری، ع.، اله یاری، ع. ع. و رسول زاده طباطبایی، س. ک (1380)، رابطه جهت گیری مذهبی با میزان تنیدگی. مجله روان شناسی، 5(1)، 56-67.
- مطهری، م (1389)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی: انسان و ایمان. تهران: صدرا.

- معتمدی شلمزاری، ع؛ اژه ای، ج؛ آزاد فلاح، پ. و کیامنش، ع. (1384). بررسی رابطه بین گرایش های مذهبی و سالمندی موفق. مجله دانشور رفتار، 12(10).
- نظری، ع.م (1390)، مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: نشر علم.
- نوابی نژاد، ش (1383)، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- نیکویی، م. و سیف، س (1384)، بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی. فصلنامه تازه های پژوهشی مشاوره، 4 (13)، 61-79.

- Allport, G.W. & Ross, J.M. (1967), Personal Orientation and Prejudice Religious. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5,432-443.
- Bhugra, D. (2010), Commentary: Religion, religious attitudes and suicide. *International Journal of Epidemiology*, 39(6)
- Hawkins ,A.T., Roberts, T., Christiansen , S.L., &Marshall , C.M. (1994), An evaluation of a program to help dual earner couples share the second shift.*Family Relations* ,43,213-220.
- Hünler, O. S. & Genc, ÖZ, T. I. (2005), The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporay Family*
- Mahoney, A., Paragmet, K. I., Swank, A. B., & Swank, N. (2003), Sanctification in family relationships. *Review of Religious Research*, 44, 220-236.
- Olson, D. H.; McCubbin, H.I.; Barnes, H.L.; Muxen, M.J.; Larsen,A.S. and Wilson, M.A. (1989), *Families*. California: Sage Publication Inc. *Therapy*, 27(1), 123-136.